



گزیده مصوبات: نحوه نظارت دادستان شهرستان به انجام وظایف مربوط به رئیس یا دادرس علی البدل حوزه قضایی بخش

حقوق :: نشریه قضاوت :: مرداد و شهریور ۱۳۸۶ - شماره ۴۶

صفحات : از ۱۲ تا ۱۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/334428>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۱۱/۲۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- امکان و امتناع نظارت قضایی بر مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ رویکردی جامعه‌شناسانه به نقش دادرس در رویه دیوان عدالت اداری
- وظایف رئیس حوزه قضایی بخش به جانشینی از دادستان
- گزیده مصوبات جدید: تسهیل اجرای وظایف هیأت قضایی ویژه اعزامی به استانها برای بازرسی محاکم و زندانها
- سازو کار نظارت دادستان بر انجام وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲
- گزیده مصوبات: تصویب آیین نامه اجرایی قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور با تأخیر ۲۰ ماهه
- صلاحیت دیوان عالی کشور در رسیدگی به تخلف رئیس جمهور از انجام وظایف قانونی؛ چالش ها و راهکارها
- گزیده مصوبات: نحوه محاسبه مهریه وجه رایج به نرخ روز و دیون و شاخص ماهانه برای محاسبه خسارت تأخیر تا دیه چک
- گزیده مصوبات: آیین نامه مربوط به انتخاب اعضای هیئت های حل اختلاف
- بررسی اختیارات و وظایف هیات نظارت در فرض اعتراض به ثبت ملک توسط معترض در رویه قضایی
- نقد و معرفی کتاب: گزیده ای از منابع مربوط به برابری و نابرابری

نحوه نظارت دادستان شهرستان شهرستان به انجام وظایف مربوط به رئیس یا دادرسی علی‌البدل حوزه قضایی بخش

رای وحدت رویه شماره ۷۰۰ هیأت عمومی دیوانعالی کشور در خصوص نحوه نظارت دادستان شهرستان شهرستان به انجام وظایف مربوط به رئیس یا دادرسی علی‌البدل حوزه قضایی بخش

شماره: ۶۷۵۵/هـ

تاریخ: ۱۳۸۶/۵/۱۶

بسمه تعالی

الف: مقدمه

جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد پرونده ردیف ۳۹/۸۵ وحدت رویه، رأس ساعت ۹ بامداد روز سه‌شنبه مورخه ۱۳۸۶/۴/۱۲ به ریاست حضرت آیت‌الله مفید رئیس دیوان عالی کشور و با حضور حضرت آیت‌الله دری نجف‌آبادی دادستان کل کشور و شرکت اعضای شعب مختلف دیوان عالی کشور در سالیان اجتماعات دادگستری تشکیل و پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید و قرائت گزارش پرونده و طرح و بررسی نظریات مختلف اعضای شرکت‌کننده در خصوص مورد و استماع نظریه جناب آقای دادستان کل کشور که به ترتیب ذیل منعکس می‌گردد، به صدور رای وحدت رویه قضایی شماره ۷۰۰ - ۱۳۸۶/۴/۱۲ منتهی گردید.

ب: گزارش پرونده

احتراماً معروض می‌دارد؛ براساس گزارش ۱/۶۳۳۸- ۱۳۸۵/۶/۳۰ معاون محترم قضایی رئیس کل حوزه قضایی استان کردستان طی دادنامه‌های ۱۴۹۰- ۱۳۸۴/۹/۶ پرونده کلاسه ۲۲۶/۸۴ شعبه چهارم تجدیدنظر و ۱۱۴- ۱۳۸۵/۴/۱۲ پرونده کلاسه ۱۱۹/۸۵ شعبه نهم با استنباط از بند الف ماده ۳ اصلاحی ۱۳۸۱/۲/۲۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب آراء مختلف صادر گردیده است که گزارش جریان امر ذیلاً منعکس می‌گردد.

۱- به دلالت محتویات پرونده کلاسه ۲۲۶/۸۴ شعبه چهارم تجدیدنظر استان کردستان، اداره منابع طبیعی شهرستان بیجار از آقایان مصطفی بهرام‌زاده فرزند نبی و صفر تاروردی فرزند غلام‌رضا در دادگاه عمومی بخش حسن‌آباد باتهام تخریب و تصرف اراضی ملی شده شکایت نموده که موضوع در شعبه اول دادگاه عمومی بخش مذکور طی پرونده کلاسه ۱/۸۲۴/۸۳ به شرح ذیل به صدور دادنامه ۲۴۷- ۱۳۸۴/۲/۲۸ منتهی گردیده است: «در خصوص شکایت اداره منابع طبیعی شهرستان بیجار علیه آقایان: ۱- مصطفی بهرام‌زاده ... ۲- صفر تاروردی دایر بر تخریب و تصرف اراضی ملی شده ... در خصوص متهم ردیف اول ... مستنداً به ماده ۶۹۰ قانون مجازات و بند ۲ ماده ۳ قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین حکم به محکومیت مشارالیه به پرداخت یکصد هزار ریال جزای نقدی و رفع تصرف از اراضی موصوف ... صادر و اعلام می‌نماید و در خصوص متهم ردیف دوم ... اتهام انتسابی را محرز و مسلم تشخیص نداده ... حکم بر برائت نامبرده صادر و اعلام می‌نماید و در

خصوص ... مطالبه خسارات ناشی از تصرف و تخریب اراضی موصوف ... مستنداً به ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی و مواد ۲ او قانون مسؤولیت مدنی حکم به محکومیت خواننده ردیف اول به پرداخت پانصد هزار ریال به عنوان اصل خواسته ... صادر و اعلام می‌نماید ...» بر اثر تجدیدنظرخواهی محکوم‌علیه (آقای مصطفی بهرام‌زاده) پرونده در شعبه چهارم تجدیدنظر استان کردستان طی دادنامه ۱۴۹- ۱۳۸۴/۹/۶ مورد تأیید واقع شده است.

۲- برابر محتویات پرونده کلاسه ۱۱۹/۸۵ شعبه نهم دادگاه تجدیدنظر استان کردستان در شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی بخش دهگلان طی دادنامه ۲۵۶۳- ۱۳۸۴/۱۲/۹ پرونده کلاسه ۲۴۵۸/۸۴ نسبت به اتهام آقای حمید غفوری فرزند عبدالله مبنی بر صدور یک فقره چک بلامحل به شماره ۸۳۶۳۹۷ مورخ ۱۳۸۴/۷/۱۷ عهده جاری ۱۷۱۴ بانک صادرات ایران شعبه دهگلان به مبلغ سه میلیون ریال مستنداً به بند الف ماده ۷ موضوع ماده ۳ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۸۲ به تحمل ۹۱ روز حبس حکم صادر شده که بر اثر اعتراض محکوم علیه در شعبه نهم دادگاه تجدید نظر طی دادنامه ۱۱۴- ۱۳۸۵/۴/۱۲ به شرح ذیل اتخاذ تصمیم نموده‌اند:

«انجام ندادن وظایف دادستان و صدور حکم از جانب دادرسی علی‌البدل که عهده‌دار تحقیقات مقدماتی بوده خلاف ذیل بند الف ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و بندهای «و» و «م» همان ماده و روح قانون مزبور است. بنابراین دادنامه تجدیدنظر خواسته نقض و پرونده به دادگاه بخش دهگلان برگردانده می‌شود تا نخست وفق مقررات بیان ادعا صورت گیرد سپس با دعوت از طرفین محاکمه انجام و آنگاه رای مقتضی صادر گردد.»

همانگونه که ملاحظه می‌فرمایند شعبه نهم دادگاه تجدیدنظر یادشده با استنباط از قسمت اخیر بند الف ماده ۳ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه عمومی و انقلاب رسیدگی و صدور حکم در امور جزایی را در حوزه قضایی بخش، منوط به انجام تحقیقات مقدماتی و سپس صدور کیفرخواست از سوی دادرسی علی‌البدل به جانشینی دادرسان دانسته در حالی که شعبه چهارم تجدیدنظر تحقیقات مقدماتی و صدور کیفرخواست را در این حوزه لازم ندیده و پرونده‌های کیفری داخل در صلاحیت دادگاههای جزایی بخش را مستقیماً قابل طرح و رسیدگی و صدور حکم تشخیص داده است که چون به ترتیب مذکور در استنباط از بند الف ماده ۳ اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، آراء متهاقت صادر گردیده است، لذا مستنداً به ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری طرح موضوع را جهت صدور رای وحدت رویه قضایی تقاضا می‌نماید.

ج: نظریه دادستان کل کشور

احتراماً؛ در خصوص پرونده وحدت رویه قضایی

ردیف ۳۹/۸۵ موضوع اختلاف نظر بین شعب چهارم و نهم دادگاه تجدیدنظر استان کردستان در استنباط از بند الف ماده ۳ اصلاحی ۱۳۸۱/۲/۲۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب با توجه به گزارش تنظیمی و لحاظ سوابق قانونی امر به شرح آتی اظهار نظر می‌گردد. نظر به اینکه به موجب ماده ۲۰۸ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ در نقاطی که محکمه ابتدایی در مقر صلح نباشد رسیدگی به امر جنحه قابل واگذاری به محکمه صلح مقرر گردیده است. در اینصورت محکمه صلح تابع مقررات محکمه جنحه بوده و وظیفه مدعی‌العموم و ادر این موارد کمیسر پلیس نایب‌الحکومه و مدیر دفتر انجام می‌دهد.

به موجب مقررات تبصره ماده ۲۲ قانون اصول تشکیلات عدلیه وظایف مدعی‌العموم محول به عهده محکمه صلح گردیده است. تغییر عنوان محکمه صلح به دادگاه بخش و یا عمومی بخش موجب تغییر در آیین رسیدگی در محاکم مذکور نگردیده به موجب مقررات ماده ۱۹۷ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری در صورت عدم تشکیل شعب دادگاه حقوقی و کیفری در یک نقطه یک شعبه دادگاه به دعوی حقوقی و جرایم کیفری رسیدگی می‌کند در این دادگاه شکایت شاکی یا اعلام ضابطین دادگستری مبنای رسیدگی بوده است. مقررات قسمت اخیر بند الف ماده ۱۳ اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ناظر به این قسمت از مقررات دایر بر واگذاری وظیفه دادستان به دادرسی علی‌البدل حوزه قضایی بخش می‌باشد.

چون بشرح مذکور مقنن در مقام بیان وظایف دادستان بوده است به قراین سوابق قانونی مذکور به نظر می‌رسد که مراد مقنن از واگذاری وظایف دادستان به دادرسی علی‌البدل حوزه قضایی بخش با عطف نظر به سوابق قانونی و رویه جاری صرف اختیارات مذکور در بند الف ماده ۳ بوده و نظر به مقررات سایر شقوق و بندهای ماده مذکور نداشته است، وانگهی محدود کردن اختیارات نیز نیاز به دلیل روشن دارد والا دادگاه بخش از کلیه اختیارات مربوط به دادگستری در زمینه احقاق حق و اجرای عدالت برخوردار است و سوابق قبلی و رویه فعلی و تجربی و تاریخی نیز این معنا را تأیید می‌نماید.

بنابراین اناطه رسمیت رسیدگی دادگاه عمومی حوزه بخش به اقدام طبق بند (و) و (م) ماده ۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب یعنی لزوم صدور کیفرخواست توسط دادرسی علی‌البدل خلاف مراد مقنن و مغایر اصول تشکیلات قضایی به نظر می‌رسد و چون رای شعبه چهارم دادگاه تجدید نظر استان کردستان با لحاظ این اصول و مقررات صادر گردیده است منطبق با قانون و موازین تشخیص و مورد تأیید می‌باشد.

د: رای شماره ۷۰۰- ۱۳۸۶/۴/۱۲ وحدت رویه هیأت عمومی

«چون مطابق ماده ۳ اصلاحی ۱۳۸۱/۲/۲۸ قانون

ادامه در صفحه بعد»